



امید در گرسنگی معنوی: نقد رویکرد طالبان و محوریت نیازهای متافیزیکی در افغانستان

گزارش

مقدمه: ارج گذاری بر معنویت ها

در تاریخ ۱۶ مه ۲۰۲۵، ابتکار برین برای توسعه دومین سلسله برنامه مجمع دموکراسی برین را تحت عنوان «امید در گرسنگی معنوی: نقد رویکرد طالبان و محوریت نیازهای متافیزیکی در افغانستان» را برگزار کرد مهم ترین مسئله در وضعیت کنونی افغانستان، انتقادهای از طالبان و شکنندگی نیازهای معنوی مردم افغانستان همچنان پابرجاست. آنچه امروز در افغانستان تهدید می شود، تنها تأمین غذا و آزادی مردم نیست، بلکه امید، روح و معنویت آنان نیز در معرض خطر جدی قرار دارد. طالبان با تلاش برای کنترل و سرکوب، معنویت مردم را به گروگان گرفته اند.

هدف این برنامه، به چالش کشیدن تهدیدات طالبان و برجسته ساختن قدرت معنویت و ایده‌های متافیزیکی مردم افغانستان است. قحطی معنوی بسیار خطرناک تر از قحطی مالی است. برای مقابله با این چالش ها و بدون اتکا به عواملی که کمکی به آینده افغانستان نمی کنند، باید در برابر تسلط طالبان ایستادگی کرد.

در این جلسه، با نقد رویکرد طالبان نسبت به دین و معنویت، ضرورت توجه به نیازهای متافیزیکی و معنوی مردم افغانستان به عنوان کلید حل بحران های اجتماعی و سیاسی مورد بحث قرار گرفت.

جزئیات برنامه: فراخوان جهانی برای عمل

برنامه «امید در گرسنگی معنوی: نقد رویکرد طالبان و محوریت نیازهای متافیزیکی در افغانستان» به طور منظم، زنده و پرنرژی برگزار شده؛ طراحی دقیق و هدفمند این برنامه با هدف ایجاد پیوندی میان مردم افغانستان و حامیان آنها در سراسر جهان، از طریق چندین پلتفرم ارتباطی، صورت گرفته است.

این برنامه به گونه ای تنظیم شده بود که ارتباطی مؤثر میان مردم افغانستان و جامعه جهانی برقرار شود. در بازه زمانی ... تا ...، بخش زنده ای از برنامه اجرا گردید و صداهایی از فواصل دور، از مرزها عبور کرده و در گستره‌ای جهانی طنین انداخت.

پنل ترکیبی: از شجاعت، حکمت و الهام بود:

- خانم ستاره ستایش هاشمی روزنامه نگار که با پرسش های هوشمندانه اش گفت و گو را پویا و زنده نگه داشت،
- داکتر ثریا دلیل، وزیر اسبق صحت عامه و سفیر پیشین افغانستان در ژینو.
- خانم زهرا کاظمی، تحلیل گر سیاسی و رئیس شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان، نیز از جمله سخنرانان این پنل بود.

این شخصیت‌ها نه تنها سخنرانانی برجسته بودند، بلکه با درک عمیق خود از نیازهای معنوی جامعه افغانستان، دیدگاه‌ها و راهکارهای ارزشمندی را در این زمینه ارائه دادند.



موضوعات کلیدی:

افغانستان امروز دچار گرسنگی معنوی و گسست متافیزیکی است؛ وضعیتی که ناشی از استفاده سو از دین، حذف آزادی، و طرد کرامت انسانی توسط طالبان است. این برنامه تلاش دارد با نقد رویکرد طالبان، بر ضرورت احیای امید، بازسازی معنویت فردی و جمعی، و نقش زنان و جوانان در شکل دهی آینده ای عادلانه و انسانی تأکید کند.

گرسنگی معنوی و گسست اجتماعی در افغانستان:

داکتر ثریا دلیل با فراصت تمام بیان داشتند هر جامعه دارای بُعد اساسی و ستون های معنوی اند:

نخست، قانون است که از قانون اساسی آغاز می شود. قانون اساسی به مثابه چتر و مادر تمام قوانین دیگر عمل می کند. بر پایه آن، سایر قوانین اجتماعی، فرهنگی و حقوقی شکل می گیرند. این قوانین، بخشی از ارزش های معنوی یک جامعه را تعریف و حفظ می کنند.

بخش دوم، نهادهای اجتماعی و حکومتی هستند؛ نهادهایی که مسئولیت ارائه خدمات عمومی را بر عهده دارند. این نهادها شامل نهادهای قانون گذار، نهادهای نمایندگی مردم، و نهادهای نظارتی بر عملکرد حکومت می شوند. همچنین نهادهای دانشگاهی و پژوهشی که تولید فکر، دانش و تحقیق را بر عهده دارند، و در پرورش نیروی انسانی متخصص نقش محوری دارند.

بعد دیگر، *پشتوانه های فرهنگی* یک جامعه است که به تاریخ، ادبیات، هنر، دانش و به ویژه جلوه هایی مانند شعر، موسیقی و دیگر عرصه های هنری بازمی گردد. این ها نیز ارکان اصلی ارزش های معنوی یک ملت اند.

مردم، روح و هویت اصلی افغانستان اند. سال های گذشته، مهاجرت نخبگان و گسترش افراط گرایی، زیرساخت های فکری و معنوی کشور را تضعیف کرده است. با این حال، زنان افغانستان به ویژه آنان که نخبه و آزاده امروز پرچم دار مقاومت و امیدند. آن ها با ایستادگی خود، معنویت و آینده کشور را زنده نگه داشته اند.

رویکرد طالبان به دین و معنویت،

خانم زهرا کاظمی ابراز داشتند ایدلوزی طالبان نه تنها ضد علم و ضد زنان، بلکه در تضاد کامل با روح اسلام و کرامت انسانی است. طالبان با قرائت محدود و افراطی از دین، آموزش و آگاهی را سرکوب کرده اند، به ویژه تحصیل زنان را که پایه آگاهی و تحول جامعه است. این سیاست ها بحران هویتی و اختلال فکری در کشور ایجاد کرده است.

طالبان از جامعه آگاه می ترسند، زیرا می دانند آگاهی پایانی برای سلطه شان خواهد بود. بسته شدن مکاتب، محدود کردن صدای زنان، و تحمیل آموزه های طالبانی، بخشی از پروژه تضعیف معنویت و اراده مردم افغانستان است.

در برابر این ظلم، زنان و جوانان افغانستان مشعل داران امید و مقاومت اند. آن ها با آگاهی، ایستادگی و فعالیت مدنی، گفتمان ضد طالبانی را زنده نگه داشته اند. اما برای موفقیت، اتحاد اقوام و اقشار مختلف، تکیه بر نسل جوان، و حمایت جهانی واقعی نه شعاری ضروری است. تنها با همبستگی و بیداری می توان هویت، معنویت و آینده افغانستان را بازسازی کرد.



مطالبات مردم افغانستان عمومی، مشروع و ریشه دار در واقعیت های اجتماعی اند، نه فردی و شخصی. هر جریان منتقد طالبان، در حقیقت پژواک صدای مردم است که هنوز امیدوار و ایستاده اند.

با این حال، جامعه ما از بحران اعتماد رنج می برد. طالبان با سرکوب فرهنگ، زبان و هویت، مردم را دچار سرخوردگی و سردرگمی کرده اند. نابودی فرهنگ، از بین رفتن امید و در نهایت تسلیم شدن در برابر سرنوشت را در پی دارد.

راه حل، بازگشت به آموزش، آگاهی و گفت و گوهای مردمی است، گفتمان هایی که از دل مردم برخیزند و به آینده جهت دهند. مردم باید بدانند که خودشان صاحبان واقعی این سرزمین اند. تغییر وقتی ممکن است که مردم به نقش خود در ساختن آینده باور داشته باشند.

برنامه نجات افغانستان، در آگاهی جمعی، مشارکت فعال، و بازیابی هویت فرهنگی و سیاسی ملت نهفته است.

ضرورت توجه به سلامت روان و معنویت در بازسازی ملی افغانستان

دکتر ثریا دلیل در بحث امید برای سلامت روانی و نظر داشت معنویت ها چنین پرداختند: برای حل مشکلات جامعه، نخست باید آن ها را به درستی تعریف کرد. در افغانستان امروز، نیازهایی مانند امید، هویت و معنویت نباید به عنوان کالاهای لوکس، بلکه به عنوان اجزای اصلی توسعه در نظر گرفته شوند. این ارزش ها زمانی در جامعه نهادینه می شوند که به گفتمان اصلی سیاسی و اجتماعی تبدیل گردند.

دولت ها مسئولیت بنیادی در پاسداری از هویت ملی، ارزش های فرهنگی و تأمین حقوق شهروندی دارند. اما در افغانستان، تحریف مفهوم دولت و استفاده ابزاری از دین برای سرکوب، مردم را از ارزش های واقعی اسلامی و انسانی دور ساخته است. در نبود یک دولت مسئول، خلأ بزرگی در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و روانی پدید آمده که حرکت های مدنی به تنهایی نمی توانند آن را پر کنند.

گرچه نقش جامعه جهانی مهم است، اما اتکای صرف به آن راه گشا نیست. راه حل در آگاهی، خودباوری و مشارکت مردم نهفته است. در عین حال، نباید از نیازهای اساسی مانند غذا، خدمات صحتی، و امنیت غافل شد؛ زیرا در کشوری که مادران به دلیل نبود امکانات جان می بازند، سخن گفتن از معنویت، بی معنا خواهد بود.

در کنار بحران های طبیعی و اجتماعی، نظام صحتی نیز دچار ضعف های جدی است. سلامت روان، به ویژه برای زنان و نوجوانان، نیازمند توجه فوری است. افسردگی پس از زایمان، اعتیاد، و اختلالات روانی ناشی از جنگ و خشونت، به برنامه ریزی تخصصی نیاز دارند. باید سلامت روان در نظام آموزش طبی گنجانده شده و پرسونل صحتی، به ویژه زنان، آموزش ببینند تا بتوانند خدمات تشخیصی، درمانی و مشاوره ای را در سطح اولیه عرضه کنند.

برنامه هایی مانند تراپی گروهی و مشاوره جمعی باید گسترش یابد. پرسونل صحتی زن نقشی حیاتی در تأمین سلامت جامعه دارند، زیرا زنان افغانستان اغلب ترجیح می دهند به زنان مراجعه کنند.



اېتکار برين برای توسعه

Bareen Initiative for Development (BID)

در نهایت، بازسازی افغانستان نیازمند دولتی مسئول، مشارکت مردمی، توجه به سلامت روان و جسم، و احیای هویت فرهنگی و معنوی جامعه است. تنها با بیداری، آموزش، و همت جمعی می توان امید را به کشور بازگرداند.

محوریت نیازهای معنوی در بازسازی افغانستان

داکتر ثریا دلیل: اهمیت بازگشت به ارزش های انسانی و معنوی، ترویج صلح و همدلی، و ایجاد فضا برای رشد آزاد اندیشه و آموزش معنوی مورد تأکید قرار گرفت. توجه به سلامت روان، حمایت از زنان و جوانان، و ایجاد نهاد های فرهنگی مستقل از سیاست زدگی نیز از راهکارهای اصلی معرفی شدند.

ضرورت حکومت آینده

این سخنان به چالش های عمیق سیاسی و اجتماعی افغانستان می پردازد و بر اهمیت مشارکت واقعی و عادلانه اقوام، زنان و نسل جوان در تصمیم گیری ها تأکید دارد. اشاره می کند که وابستگی صرف به کمک های خارجی نه تنها راه حل نیست، بلکه تکرار بحران ها را به دنبال دارد. در عین حال، نکته مهمی که مطرح می شود، بی علاقتی و اولویت ندادن جامعه جهانی به موضوع افغانستان است؛ هرچند نهاد های بین المللی در حوزه حقوق بشر و حمایت از زنان گام هایی برداشته اند، اما نبود دولت مشروع باعث شده صدای افغانستان در سطح بین المللی کمتر شنیده شود و فرصت های لابی گری و تأثیرگذاری کاهش یابد.

با این حال، امید به آینده ای آزاد و بازسازی کشور که بر پایه کرامت انسانی، هویت فرهنگی و نیازهای معنوی مردم بنا شود، نقطه روشنی است که مطرح می شود. بر این اساس، حکومتی که قرار است جایگزین وضع موجود شود، باید نماینده واقعی همه اقوام، زنان و نسل جوان باشد، نه صرفاً نمادین. همچنین تأکید می کند که قوانین تصویب شده باید به اجرا برسند و تجربیات گذشته نشان داده که عدم مشارکت مؤثر نسل جوان و وابستگی به حمایت های خارجی منجر به شکست و فروپاشی شده است.

در نهایت، تحلیل این است که مسیر پیش رو نیازمند بازنگری عمیق در ساختارهای حکومتی، تقویت اجماع ملی و منطقه ای، و توجه همزمان به ابعاد معنوی، انسانی و مادی جامعه است؛ مسیری که تنها با تلاش و همت مردم افغانستان و با حفظ امید و آگاهی امکان پذیر خواهد بود.

راهکارهای حفظ امید و مقاومت در سطح فردی و جمعی

برای حفظ امید و اتحاد در افغانستان، نخست باید یک اجماع ملی فراگیر شامل زنان و جوانان شکل گیرد و سپس اجماع منطقه ای با در نظر گرفتن منافع همسایگان ایجاد شود. نباید فقط به کنار آمدن با طالبان فکر کرد، بلکه باید از اکنون برای دوران پسا طالبان برنامه ریزی کرد. نظام آینده باید عادلانه، نماینده واقعی مردم، با رسانه های آزاد و سیاست مداران پاک دست باشد. نسل جوان باید محور این تحول باشد. اینک فرصت تاریخی برای ساختن آینده ای متفاوت است و مردم باید آگاهانه در تصمیم گیری ها شرکت کنند تا رؤیای افغانستان آزاد محقق شود.

پیشنهادات عملی برای مقابله با گرسنگی معنوی



داکتر ثریا دلیل در پاسخ خود تأکید کردند که حفظ امید در دل مردم، به ویژه دختران افغانستان، کلید مقاومت فردی است. آموزش و تلاش برای یادگیری حتی در شرایط سخت، نوعی پایداری و درمان است. در سطح جمعی، نقش خانواده و به ویژه پدران بسیار مهم است؛ حمایت، احترام و مشارکت دختران در تصمیم گیری ها باید نهادینه شود تا فرهنگ خشونت و تحقیر پایان یابد. ایجاد فرهنگی که زن را با کرامت انسانی ببیند از خانه آغاز می شود و تأثیر مستقیم بر ساختن جامعه ای توانمند و آگاه دارد. هر فرد با رفتار و باورهایش می تواند به این تغییر کمک کند و آینده ای بهتر برای افغانستان بسازد.

شرکت کنندگان پیشنهاد کردند که برنامه های آموزشی و روان شناسی، فضای رسانه ای آزاد، حمایت از تشکل های مدنی و فرهنگی، و ایجاد پل های گفت و گو بین اقوام و گروه های مختلف باید توسعه یابد. علاوه بر این، جامعه جهانی باید ضمن احترام به استقلال افغانستان، از حقوق بشر و آزادی های بنیادین حمایت کند.

نتیجه گیری علمی و راهبردی

برنامه امید در گرسنگی معنوی نشان داد که بحران کنونی افغانستان یک بحران چندبُعدی است که جنبه های معنوی و روانی آن به اندازه مشکلات سیاسی و اقتصادی اهمیت دارند. رویکرد طالبان به دین، که مبتنی بر تحکم و سرکوب است، گرسنگی معنوی را تشدید کرده و منجر به بی اعتمادی و کاهش روحیه امید در جامعه شده است.

برای بازسازی واقعی و پایدار افغانستان، باید نیازهای متفاوتی مردم به ویژه روحیه امید، اعتماد متقابل و سلامت روان محور سیاست گذاری ها و برنامه های فرهنگی قرار گیرد. حکومت آینده باید:

- فراگیر، عادلانه و نماینده واقعی اقوام، زنان و جوانان باشد؛
- با تکیه بر ارزش های انسانی، معنوی و آزادی های بنیادین شکل گیرد؛
- سلامت روان و معنویت را در نظام سلامت، آموزش و اجتماع تقویت کند؛
- فضای رسانه ای آزاد و گفت و گوی مدنی را توسعه دهد؛
- و از حمایت جامعه جهانی در جهت تقویت حقوق بشر بهره مند شود.